**بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

 اين مظلوم اراده نموده لوجه اللّه بر شما القا نمايد آنچه را که سبب بقای ابدی و ذکر سرمديست \* شکّی نبوده و نيست که مقصود از آفرينش معرفت حقّ جلّ جلاله بوده \* حال بايد خالصا لوجه المقصود انسان تفکّر نمايد که سبب اقبال نفوس بمشارق وحی و مطالع الهام در قرون و أعصار چه بوده و علّت اعراض چه \* اگر بعرفان اينمقام فائز شوی بکلّ خير فائزی و از امواج بحر عرفان حقّ جلّ جلاله محروم نمانی \* ما سوی الحقّ را معدوم مشاهده کنی و مفقود بينی \* انسان چون بمقام بلوغ فائز شد بايد تفحّص نمايد و متوکّلا علی اللّه و مقدّسا عن الحبّ و البغض در امريکه عباد بآن متمسّکند تفکّر کند و بسمع و بصر خود بشنود و ببيند چه اگر ببصر غير ملاحظه نمايد از مشاهده تجلّيات أنوار نيّر عرفان الهی محروم ماند \* احزاب مختلفه در عالم موجود و هر حزبی خود را حقّ دانسته و ميدانند بقوله تعالی ﴿ کُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴾ در خاتم انبياء روح ما سواه فداه تفکّر نمائيد چون آن نيّر حقيقی باراده الهی از افق حجاز اشراق نمود احزاب اعراض نمودند و بر سفک دم اطهرش قيام کردند \* وارد شد بر انحضرت آنچه که عيون ملأ أعلی گريست و افئده مخلصين و مقرّبين محترق گشت \* بايد در سبب و علّت و اعتراض تفکّر نمود \* حقّ جلّ جلاله ميفرمايد ﴿ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا کَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴾ و شکی نبوده و نيست که اگر مظاهر أوامر إلهی و مصادر أحکام ربّانی موافق و مطابق آنچه در دست قومست از اشارات ظهور و اخبار و نصوص ظاهر ميگشتند احدی اعراض نمينمود بلکه کلّ فائز ميشدند بآنچه که از برای او از عدم بوجود آمده‌اند و از نيستی بحت بات بطراز هستی مزيّن گشته‌اند لذا بر هر نفسی لازم است که بعدل و انصاف در أمر اللّه ملاحظه نمايد و تفکّر کند \* علمای اماميّه بر آنند که حضرت قائم موعود بعد از ظهور در بيت اللّه بکلمه نطق ميفرمايند که نقبا از آن کلمه اعراض مينمايند و فرار اختيار ميکنند \* اينکلمه ايست که آنحزب بآن مقرّ و معترفند \* حال در غفلت بعضی تفکّر نمائيد باعراض نقبا که بعد از أئمة باعتقاد خود ايشان أشرف عبادند قائلند و تصديق مينمايند و در خود گمان نميکنند که شايد اين اعراض من غير حقّ باشد \* باری ندای مظلوم و آنچه ذکر نموده بسمع انصاف بشنويد \* يظهر لک الحقّ و صراطه المستقيم \* در يک آن تفکّر نمينمايند که شايد آنچه ظاهر شده حق باشد و اين اعراض و اعتراضات از غفلت و جهل واقع شده باشد \* از حق ميطلبيم شما را تأييد فرمايد تا ببصر عدل و انصاف مشاهده کنيد و تفرّس نمائيد \* إنّه يقول الحقّ و يهدی السّبيل و هو العزيز الجميل \* حضرت عيسی ابن مريم - عليه سلام اللّه و عنايته - بآيات واضحات و بيّنات باهرات ظاهر شد و مقصودش نجات خلق بوده \* هر منصفی شاهد و هر خبيری گواهست آنحضرت از برای خود چيزی نطلبيده و نخواسته و مقصودش هدايت گمراهان بصراط مستقيم الهی بوده \* لکن وارد شد بر آنجمال أقدس آنچه که اهل فردوس نوحه نمودند و بقسمی بر انحضرت أمر صعب شد که حق جلّ جلاله باراده عاليه بسماء چهارم صعودش داد \* آيا سبب آنچه ظاهر شد چه بوده \* لَعمرُ اللّه إعراض علماء \* چه که حنّان و قيافا که از فرّيسيين بوده‌اند يعنی علمای توراة مع علمای اصنام انکار نمودند و بسبّ و لعن مشغول گشتند \* و همچنين در حضرت کليم و سائر انبياء ملاحظه فرمائيد شايد آنچه در اين ورقه ذکر شده شما را بعرفان مذکور فائز فرمايد و بکمال همّت بر خدمت أمر قيام نمائی قياميکه از سطوت ظالمين مضطرب نشود و از اعراض علماء تغيير نيابد بشنو ندای اين مظلوم را و از شمال وهم بيمين يقين توجّه نما و از مغرب ظنّ و گمان بمشرق ايقان اقبال کن \* اين مظلوم از اوَّل أيام ما بين أيادی أعداء مبتلا البتّه بعضی از بلايای وارده را اصغا نموده‌ايد \* بعنايت حق جلّ جلاله أمام وجوه خلق از علماء و أمراء من غير ستر و حجاب آنچه سبب نجات و راحت کل بود القا نموديم \* هيچ امری از امور و هيچ شئ از اشياء منع ننمود و حايل نگشت \* و حال هم در سجن أعظم لوجه اللّه ذکر نموديم آنچه را که از برای منصفين کتابيست مبين \* انظر ثمّ اذکر ما أنزله الرّحمن فی الفرقان بقوله تعالی ﴿ ذَرْهُمْ فِی خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ ﴾ اميد آنکه از فضل الهی باين کلمه فائز شوی و بآن عمل نمائی \* از ما سوی اللّه يعنی اموريکه سبب منع و علّت احتجابست بگذری و بآنچه سبب بلوغ و وصول است تمسّک جوئی \* أمر عظيم است و مطلب بزرگ \* و يوم يوميست که ميفرمايد ﴿ يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَکُنْ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَکُنْ فِی صَخْرَةٍ أَوْ فِی السَّمَوَاتِ أَوْ فِی الأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللّهُ إِنَّ اللّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴾ امروز روزيست آنچه در قلوب و نفوس مستور است ظاهر و آشکار شود \* در نفوسيکه رايگان جان و مال را در سبيل محبّت غنيّ متعال انفاق نموده‌اند تفکّر نمائيد إنّه يهديک إلی صراطه المستقيم و نَبئه العظيم \* در حضرت نوح و هود و صالح - صلوات اللّه عليهم - ملاحظه کن مقصود آن مشارق أمر چه بود و چه وارد شد \* اين عبد از اهل علم نبوده و مدرسه نرفته و بر حسب ظاهر در بيت يکی از رجال دولت متولّد شده و باو منسوب \* إنّ الأمر بيد اللّه ربِّک رَبّ العرش و الثّری و مالک الآخرة و الأولی \* لا مانع لأَمره و لا دافع لحکمه يفعل ما يشاء و يحکم ما يريد و هو المقتدر القدير \* اسمع نداء المظلوم \* طَهِّرْ قلبَکَ بماء الإنقطاع و زيّن رأسَکَ بأکليل العدل و هيکَلَکَ برداء التّقوی و قل إلهی إلهی أشهد بوحدانيّتک و فردانيّتک و اعترف بما نطقَتْ به ألسن أنبيائک و رسلک و ما أنزلته فی کتبک و صحفک و زبرک و ألواحک \* أی ربّ أنا عبدک و ابن عبدک أشهد بلسان ظاهری و باطنی بأنّک أنت اللّه لا إله إلّا أنت الفرد الواحد المقتدر العليم الحکيم \* آهٍ آهٍ يا إلهی من جريراتی العظمی و خطيآتی الکبری و من غفلتی الّتی منعتنی عن التّوجّه إلی مشرق آياتک و مطلع بيّناتک و عن النّظر إلی تجلّيات أنوار فجر ظهورک و مشاهدة آثار قلمک \* فآه آه يا مقصودی و معبودی لم أَدْرِ بأيّ مصيبة من مصائبی أنوح و أبکی أأنوحُ علی ما فَاتَ عنّی فی أيّام فيها أشرق و لاح نيّر الظّهور من أفق سماء إرادتک أم أنوح و أبکی عن بُعدی عن ساحة قربک إذ ارتفع خِبَاءُ مجدک علی أعلی الأعلام بقدرتک و سلطانک \* کلَّما زاد يا إلهي رأفتک فی حقّی و صبرک فی أخذی زادت غفلتی و إعراضی \* قد ذکرتنی إذ کنتُ صامتا عن ذکرک و أقبلتَ إليَّ بمظهر نفسک إذ کنتُ معرضا عن التّوجّه إِلی أنوار وجهک و ناديتنی إذ کنتُ غافلا عن إصغاء ندائک من مطلع أمرک \* و عزّتک قد أحاطتنی الغفلة من کلّ الجهات بما اتّبعتُ النّفس و الهوی \* فآه آه إرادتی منعتنی عن إرادتک و مشيّتی حَجَبَتْنی عن مشيّتک بحيث تمسّکتُ بصراطی تارکا صراطَک المستقيم و نبأکَ العظيم \* تری و تسمع يا إلهی حنينی و بکائی و ضجيجی و ذلّتی و بلائی \* أی ربّ هيکلُ العصيان أرادَ أمواجَ بحر غفرانک و عفوک و جوهرَ الغفلة بدايع مواهبک و ألطافک \* فآه آه ضوضاء العباد منعتني عن إصغاء بيانک وَ نُعاقُ خلقک حَجَبنی عن النّظر الی أفق أمرک \* و عزّتک أحبّ أنْ أبکی بدوام ملکک و ملکوتک فکيف لا أبکی أبکی بما مُنِعَتْ عيني عن مشاهدة أنوار شمس ظهورک و أُذنی عن إصغاء ذکرک و ثنائک \* و عزّتک يا إلهَ العالم و سلطان الاُمم أحبّ أنْ أَسْتُرَ وجهی تحت أطباق الأرض و ترابها من خجلتی و بما اکتسَبتْ أيادی غفلتی \* فآه آه کنتَ معی و سمعتَ منّی ما لا ينبغی لک و بفضلک سترتَ عنّی و ما کشفتَ سوءَ حالی و أعمالی و أقوالی \* فآه آه لم أَدْرِ ما قدّرت لی من قلمک الأعلی و ما شاءَتْ مشيّتک يا مالک الأسماء و فاطر السّماء \* فآه آه أن يمنعني قضاؤک المحتوم عن رحيقک المختوم \* أسألک بنفحات وحيک و أنوار عرشک و بالّذی به تضوّع عَرْفُ قميصک فی الحجاز و بنور أمرک الّذی به أشرقت الأرضُ و السّماء بأن تجعلني فی کلّ الأحوال مقبلا إليک منقطعا عن دونک و متمسّکا بحبلک و متشبّثا بأذيال رداء جودک و کرمک و اختار لنفسی ما اخترته لی بعنايتک الکبری و مواهبک العظمی يا من فی قبضتک زِمام الأشياء لا إله إلّا أنت ربّ العرش و الثّری و مالک الآخرة و الأولی \*